

Wort des Tages لغت روز blaumachen

written by مرتضی غلام نژاد | ژوئن 9, 2017

blaumachen یک فعل جدا شدنی می باشد

Nicht zur Arbeit / in die Schule gehen, weil man keine Lust hat

به سر کار یا به مدرسه نرفتن ، برای اینکه آدم حال و حوصله ندارد

گذشته ساده : machten blau

گذشته کامل : haben blaugemacht

„Heute habe ich gar keine Lust, in die Schule zu gehen! Am liebsten würde ich blaumachen.“

امروز من اصلا حال و حوصله ندارم به مدرسه بروم ، بهتره بپیچونم

فعل blaumachen در فارسی می تواند معانی زیر را نیز به همراه داشته باشد :

جیم زدن ، پیچوندن ، دو دره کردن

چند مثال :

Einen Tag blaumachen

یک روز را جیم زدن ، یک روز را پیچوندن

نکته : فعل blaumachen ذات Akkusativ دارد و اسم جمله را مانند مثال بالا به حالت Akkusativ برده است.

Ein Tag یک روزی (Nominativ)

Einen Tag یک روزی را (Akkusativ)

Einem Tag از یک روزی ، به یک روزی (Dativ)

Eines Tages به روز (Genitiv)

Er ist so faul, dass er am liebsten jeden Montag blaumachen würde

او خیلی تنبل است ، که در بهترین حالت هر دو شنبه را می خواهد بپیچوند

Der echte Wiener tut gerne blaumachen, schwarz arbeiten und rot wählen

یک وین ی واقعی در حال جیم شدن است ، سیاه کار می کند و قرمز انتخاب میکند.

Der typische Österreicher: Blau machen, grün denken, rot wählen und schwarz arbeiten

چیزی که برای یک اتریشی رایج است : جیم زدن از کار یا مدرسه ، سبز فکر کردن ، قرمز انتخاب کردن و کار سیاه کردن است

Grün denken می تواند دو برداشت به همراه داشته باشد.

۱. بی تجربه و بی عقل فکر کردن

۲. رویایی فکر کردن به طوری که آن رویا سرشار از امید باشد.

که در مثال بالا منظور بی تجربه و بی عقل فکر کردن است ؟

Rot wählen می تواند دو برداشت به همراه داشته باشد.

۱. علاقه اتریشی ها به رنگ قرمز که در پرچمشان نیز این رنگ وجود دارد که سمبل : سرخی حاکی از خونریزی و به دست

آوردن انقلاب و همچنین به مفهوم عشق ، احساسات و زندگی نیز می باشد.

۲. علاقه آنها به نوشیدن شراب قرمز

در هر دو مثال بالا منظور از Rot wählen شراب قرمز است ؟

?Gehst du morgen arbeiten

فردا میری کار کنی؟

Nein, morgen mache ich blau

نه فردا را جیم میزنم (می پیچونم)

Ein Arbeitnehmer lies sich Krankschreiben, da er sich verlaufen hatte und plötzlich in einem (Flugzeug war. (Seems Legit

یک صاحبکار داشت گواهی پزشکی می خواند ، که آن فرد (او) گم شده بوده و به طور اتفاقی از یک هواپیما سر در آورده است. (قابل باور به نظر میرسد)

نکته : اصطلاح Seems Legit از زبان انگلیسی وارد زبان آلمانی شده است و معادل آلمانی آن می شود Klingt plausibel که به طور کنایه می تواند به کار برد.

مانند مثال بالا که کارگری از کار جیم شده است و به تعطیلات رفته است و به جای آن یک گواهی پزشکی به صاحبکارش داده است که در آن نوشته گم شده بوده و اتفاقی از یک هواپیما سر در آورده و از آنجایی که این اتفاق مسخره است و امکان ندارد پیش بیاید و تنها برای خنده است ، می توان به صورت کنایه آمیز گفت ، قابل باور به نظر میرسد که معمولاً عکس العمل فارسی زبان ها در قبال این چیزها این است ، اره جون عمه ات ؟ تو که راست میگی ؟

ja ja, Seems Legit

اره جون عمه ات ، تو که داری راست میگی

اره خوب ، واقعی به نظر میرسد

Ja ja, klingt plausibel

اره خوب تو که راست میگی

اره جون عمه ات ، تو که داری راست میگی

اره خوب ، واقعی به نظر میرسد

پاسخ کنایه آمیز است :